



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 52, No. 2, Issue 105

سال پنجاه و دوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۵

Autumn & Winter 2020 - 2021

پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۸۹-۲۰۸

DOI: 10.22067/jquran.2020.40099

### بررسی تطبیقی مفاهیم معنوی سازده کوچولو اثر سنت اگزوپری با آیات قرآنی و روایات اسلامی \*

دکتر محمدرضا فارسین<sup>۱</sup>

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: farsian@um.ac.ir

فاطمه خموش

دانش آموخته مقطع دکتری دانشگاه تربیت مدرس - تهران

Email: F.khamoush@modares.ac.ir

مرتضی استادی طرهبه

دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه مشهد

Email: m.ostadee@gmail.com

#### چکیده

آنتوان دو سنت اگزوپری از نویسندگان نام‌آشنای ادبیات فرانسه در قرن بیستم است. کتاب سازده کوچولو، پرخواننده‌ترین اثر وی، به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۳۳ محمد قاضی این کتاب را به زبان فارسی برگرداند. با خواندن این کتاب و از خلال گفت‌وگوهای سازده کوچولو و خلبان، خواننده به مفاهیم و توصیه‌های اخلاقی همسو با تعالیم دین اسلام پی می‌برد. این پژوهش با تکیه بر اصول مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و با استفاده از نظریه «تشابهات بدون ارتباطات» فرانسوا یوست، سعی دارد که ارتباط میان مفاهیم اخلاقی مطرح شده در این داستان را با معادل‌های آن در آیات قرآن و روایات اسلامی بررسی کند. یافته‌های این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی به دست آمده است، نشان می‌دهد که توصیه‌های اخلاقی اگزوپری در این داستان بیشتر در حوزه قواعد زندگی شخصی هر انسانی چون داشتن برنامه و هدف، صبوری، رعایت نظافت و اهمیت دوستی و... ظهور پیدا کرده است. نویسنده با بیان این مفاهیم به دنبال گشایش راهی برای نجات انسان‌ها و بهبود شرایط زندگی آن‌ها بوده است که با هدف دین اسلام کاملاً منطبق است و مشابهات آن در آیات قرآن و روایات اسلامی قابل مشاهده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، آیات قرآنی و روایات اسلامی، مفاهیم اخلاقی، سنت اگزوپری، سازده کوچولو.

\* مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸.

۱. نویسنده مسئول

---

## A Comparative Study of the Semantic Concepts in Saint-Exupéry's Little Prince's, Quranic Verses and Islamic traditions

**Dr. Mohammad Reza Farsian** (Corresponding Author)

Professor at Ferdowsi University of Mashhad

**Fatima Khamoush**

Ph.D. graduate, Tarbiat Modares University, Tehran

**Morteza Ostadi Torqabeh**

Level-three graduate of seminaries in Mashhad

### Abstract

Antoine de Saint-Exupéry is a renowned twentieth-century French author. The Little Prince, his most widely read work, has been translated into most of the world's living languages. For the first time in Iran, this book was translated into Persian by Mohammad Ghazi in 1954. While reading this book and through the dialogues of the little prince and the pilot, the reader notices the concepts and moral advice that are harmonious with the teachings of Islam. Based on the principles of the American School of Comparative Literature and using François Jost's theory of "similarities without communication." this study aims to explore the relationship between the moral concepts presented in this story and their counterparts in Quranic verses and Islamic traditions. The findings of this article, which adopts a descriptive-analytical method, suggest that Exupéry's moral advice in this story is chiefly concerned with the rules of everyday life such as having a plan and purpose, patience, cleanliness, importance of friendship, etc. Through these concepts, the author seeks to present a way to salvage human beings and improve their living conditions, which is aligned with the purpose of Islam and concepts discussed in the Qur'an verses and Islamic traditions.

**Keywords:** Comparative literature, Quranic verses and Islamic traditions, moral concepts, Saint-Exupéry, The Little Prince

## مقدمه

آنتوان ماری روژه دو سنت اگزوپری (۱۹۴۴-۱۹۰۰) از نویسندگان مشهور ادبیات فرانسه در قرن بیستم در خانواده‌ای کاتولیک مذهب که از تعصبات مذهبی به دور بودند، متولد شد. علی‌رغم احترام اگزوپری به ارزش‌های دین مسیح از جمله عشق به خداوند، خانه، خانواده و زمین، پابندی چندانی به این اصول و عقاید در او دیده نمی‌شد. او از منظر دوستانش فردی بود که به دنیای دیگری تعلق داشت و دنیای مادی برایش خیلی کوچک به نظر می‌رسید. ادب، فروتنی، شجاعت و فداکاری‌های بی‌چشمداشت در وجود او متجلی بود. پس از جدایی از لوتیز دو ویلمورن<sup>۱</sup>، رمان‌نویس مشهور، با معشوقه‌اش کنسوئلو<sup>۲</sup> ازدواج کرد. آنتوان اصرار داشت که عقدشان در کلیسا انجام شود نه در شهرداری. کتاب خاطرات گل سرخ، زندگی‌نامه آنتوان دو سنت اگزوپری، او را فردی همیشه در تلاش برای بهبود شرایط انسانی و گشاده‌دست معرفی کرده که معتقد است از این دنیا چیزی را با خود نخواهد برد. این ویژگی‌های فردی نشان‌دهنده این است که گرچه وی فردی پایبند به اصول دین مسیحیت نبود، ولی در افکار و عملش این اعتقاد جلوه پیدا کرد (سنت اگزوپری، ۸-۶۱).

شازده کوچولو اثر سنت اگزوپری که عنوان بهترین رمان قرن بیستم را به خود اختصاص داد (شریفی، ۱۶)، از پرخواننده‌ترین و معروف‌ترین داستان‌های فرانسوی زبان است که به بیش از ۳۰۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است (Doll, 2013). این کتاب مفاهیم عمیق انسانی، اخلاقی و فلسفی را در سفرهای متعدد شازده کوچولو به سیارک‌های دیگر و مواجهه با آدم‌بزرگ‌هایی که صرفاً به مسائل مادی و قدرت‌طلبی می‌اندیشند، نشان می‌دهد. در واقع شازده کوچولو از بسیاری جهات، خود نویسنده است و آن گل سرخی که او را با چهار خار ناچیز تنها گذاشته بود، کنسوئلو است. سنت اگزوپری در این باره به همسرش می‌نویسد: «میدانی، گل سرخ کتاب شازده کوچولو تویی. شاید من نتوانسته باشم همواره آن‌طور که باید از تو مواظبت کنم» (سنت اگزوپری، ۳۹). نکته‌ای که خواندن این کتاب را بیش از پیش جذاب می‌کند این است که نویسنده در زندگی حقیقی خود دچار سرنوشتی مشابه شازده کوچولو داستانش شد و در نهایت به سفری رفت و هیچ اثری از خود بر جای نگذاشت (همان، ۴۷).

قائمی‌مجد (۶۰) اخلاق مداری اگزوپری را به زندگی شخصی او مربوط می‌داند و اعتقاد دارد که «روح کلی داستان‌های اگزوپری حاکی از تجربه‌های شخصی اوست. این رمان‌ها تخیل‌های نویسنده انسان‌دوستی است که در دنیای وجدان و اخلاق به سر می‌برد و فلسفه‌اش را از عالم عینی و واقع بیرون

1 Louise de Vilmorin

2 Consuelo de Saint Exupery

می‌کشد». از آنجایی که نویسنده در فضای کاتولیکی رشد یافته و آموزه‌های دین مسیحیت در او تاثیر داشته، لذا مباحث اخلاقی را در خلال داستان‌هایش گوشزد کرده است تا به نوعی بتواند به بهبود شرایط زندگی انسان‌ها کمک کند. «در آثار آگروپری نشانی از ایمان دیده می‌شود، نشانی از روح پرستش و احترام به انسان که پرتوی از ذات الهی است» (سنت آگروپری، ۳۱).

این مباحث اخلاقی در واقع همان مسائلی هستند که در ادیان الهی و به خصوص دین اسلام مشاهده می‌کنیم. به طور کلی، دین را می‌توان به مجموعه‌ای از عقاید مطابق با واقع و احکام عملی و اخلاقی که در رسیدن انسان به کمال و سعادت حقیقی نقش دارند تعریف کرد (حسین‌زاده، ۷۳). اساساً کارکرد تمامی ادیان برای انسان تدوین برنامه‌ای منسجم است تا بتواند مسیر رشد و تعالی‌اش را پیماید. پیامبران اولوالعزم از حضرت نوح (ع) تا خاتم‌النبیین محمد مصطفی (ص)، همه در جهت ارائه دستوراتی آمده‌اند که از جانب پروردگار بر پیامبرانش نازل شده و تبیین آن را بر عهده آنان قرار داده‌است. به عنوان مثال دین اسلام که به عنوان آخرین دین و تکمیل‌کننده ادیان پیشین برای بشر ارائه شده، در بردارنده مفاهیم اخلاقی، عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و... است تا انسان از طریق الگو قرار دادن پیشوایش به عنوان واسطه انتقال این مفاهیم، بتواند در چارچوبی که دین اسلام برای او تعریف کرده‌است از ضلالت‌های یافته و در راه سعادت گام بردارد. بنابراین جوهره اصلی وجود انسان را شخصیت اخلاقی تشکیل می‌دهد که هدف شرایع و برنامه‌های انسان‌سازی است. از این رو تربیت اخلاقی در نظر و عمل در صدر تعالیم و تکالیف دینی و در کنار عقاید و شرایع قرار دارد و روایات از جایگاه بلند اخلاق و تربیت سخن گفته‌اند (رهبر و رحیمیان، ۱۰).

همان‌گونه که دین اسلام مربی و اسوه‌های اخلاقی را همچون پیامبران الهی، امامان و دیگر مریبان صالح برای تربیت، رشد و تعالی انسان فرستاده است تا او را از گمراهی خارج کنند و به سوی رستگاری رهنمون سازند، در واقع مشابه این هدف را آگروپری در کتاب شازده کوچولو نیز دنبال می‌کند و در نقش مربی، توصیه‌هایش را در قالب این داستان به مخاطبانش که به ظاهر کودکان هستند، القا می‌کند. در بخش دوم، بحث و بررسی خواهیم کرد که اساساً چه مضامینی در تفکر نویسنده فرانسوی و آموزه‌های دینی مشترک‌اند و خاستگاه این تشابهات چه چیست؟

### چارچوب نظری، روش و هدف تحقیق

پژوهش حاضر رویکردی تطبیقی را دنبال می‌کند تا بتواند شباهت‌های فکری را در اندیشه آگروپری با مضامین اخلاقی آیات و روایات اسلامی مقایسه کند. برای ادبیات تطبیقی بسته به دو مکتب فرانسوی و

آمریکایی آن تعاریف مختلفی ارائه شده است. مکتب فرانسوی با نظریه پردازانی چون پل وان تیگم<sup>۱</sup>، ژان ماری کاره<sup>۲</sup> و فرانسوا گویارد<sup>۳</sup> ادبیات تطبیقی را شاخه‌ای از تاریخ ادبیات می‌دانست. براساس مکتب فرانسوی هدف، مقایسه یک یا چند اثر ادبی نیست بلکه مقایسه، امکان درک تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود را به ارمغان می‌آورد. روشن‌ترین تعریف در مکتب تطبیقی فرانسه از آن گویارد است. از نظر او «ادبیات تطبیقی تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است. پژوهشگر ادبیات تطبیقی مانند کسی است که در سرحد قلمرو زبان ملی به کمین می‌نشیند تا تمام دادوستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند» (Guyard, 5). اما از منظر مکتب آمریکایی، هر متنی می‌تواند در حوزه ادبیات تطبیقی جای گیرد. آنچه که مورد توجه این مکتب است، مساله تشابه و همانندی است که همین امر سبب شده است تا ادبیات، با هنر و سایر حوزه‌های دانش بشری پیوند بخورد. در واقع مکتب آمریکایی راه را برای مطالعه تطبیقی در زمینه نهضت‌ها، انواع ادبی (ژانر) و مضامین و بن‌مایه‌های ادبی می‌گشاید. فصل پنجم کتاب درآمدی بر ادبیات تطبیقی اثر فرانسوا یوست<sup>۴</sup> نیز به بررسی همین موضوعات پرداخته است. وی بن‌مایه را پس‌زمینه کلی اثر ادبی می‌داند که درون‌مایه یا مضمون به شرح آن می‌پردازد. بنابراین بن‌مایه، تصویر و روح کلی اثر ادبی است که درون‌مایه به تشریح جزئیات آن می‌پردازد (انوشیروانی و ارفع، ۳). «بن‌مایه‌ها و تیپ‌ها و مضامین‌هایی که در ادبیات ملی از اهمیت اساسی برخوردارند، ضرورتاً از مرزهای زبانی و سیاسی می‌گذرند؛ هرچند در مسیر این فرایند ویژگی‌های منحصر به فرد خود را به کلی از دست نمی‌دهند، اما از رنگ و بویی جهانی برخوردار خواهند شد» (یوست، ۲۴۰). نظریات مختلفی در چارچوب مکتب آمریکایی مطرح است که از آن میان، نظریه شباهت‌های بی‌دلیل فرانسوا یوست (۱۹۱۸-۲۰۰۱ م.)، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه ایلینوی<sup>۵</sup> آمریکا را برای بررسی این پژوهش برگزیده‌ایم تا از طریق آن بتوانیم در طول پژوهش به سوالات زیر پاسخ دهیم:

۱. چه مضامین اخلاقی و تربیتی در کتاب شازده کوچولو وجود دارد؟
۲. چه شباهت‌هایی میان مفاهیم اخلاقی کتاب شازده کوچولو با آیات و روایات اسلامی به چشم می‌خورد؟
۳. چه عواملی باعث شده است که تفکر نویسنده فرانسوی قرن بیستم با مضامین اخلاقی آیات و روایات اسلامی شباهت پیدا کند؟

1 Paul Van Tieghem

2 Jean-Marie Carré

3 Marius-François Guyard

4 François Jost

5 Illinois

برای پاسخ به سوالات ذکر شده، ابتدا جملات شازده کوچولو را دسته‌بندی موضوعی می‌کنیم. آنگاه ذیل هر مدخل، مفاهیم را توضیح می‌دهیم و در تایید مطالب ذکر شده، معادل‌های آن را در آیات قرآن و روایات اسلامی ارائه خواهیم داد.

### پیشینه تحقیق

مفاهیم اخلاقی را می‌توان در خلال آثاری که به این مضامین اختصاص دارند، یافت. در صدر این آثار قرآن کریم قرار دارد که با آیات و روایات داستان‌گونه‌اش این مفاهیم را به مخاطبش ارائه می‌کند. از دیگر آثار شاخص در این زمینه می‌توان به نهج‌البلاغه، نهج‌الفصاحه، غررالحکم و دررالکلم اشاره کرد که با جمع‌آوری احادیث پیامبر، امیرالمؤمنین و ائمه معصوم علیهم‌السلام، الگو و روشی تمام و کمال از جنبه‌های زندگی انسانی ارائه می‌دهند. در مورد آگزوپری و شازده کوچولو، با توجه به اهمیتش در دنیای ادبیات، پژوهش‌های متعددی انجام شده که از آن میان تنها به موارد مرتبط با حوزه پژوهش اشاره می‌کنیم:

از مهم‌ترین آثار مرتبط با نویسنده، باید از کتاب خاطرات گل سرخ نام برد که در واقع شرح خاطرات و فراز و نشیب‌های زندگی نویسنده به قلم همسر اوست. هم‌چنین در حوزه فلسفی - اخلاقی، سعیده قائمی مجد مقاله‌ای با عنوان «بازگشت به حقیقت خویش؛ تحلیل فلسفی - اخلاقی» نگاشته‌است تا با تحلیل فلسفی این کتاب بتواند درون‌مایه و شخصیت‌های داستانش را روشن ساخته و مراحل سلوک دوباره به وطن خود را که همان حقیقت وی است، آشکار سازد. پژوهشی دیگر که در واقع گزارشی از بیست و ششمین نشست نقد آثار ادبی است، با عنوان «مولوی و آگزوپری» سعی در نشان دادن ارتباطات فکری بین این شاعر و نویسنده دارد. ناصر رحیمی نیز مقاله‌ای با عنوان «نماد و نمادپردازی در شازده کوچولو» به رشته تحریر درآورده که در آن هر یک از شخصیت‌ها و نماد آنان در کتاب شازده کوچولو را بررسی کرده‌است. پژوهش‌های اخیر از جمله مطالعاتی است که در زبان فارسی درباره این موضوع صورت گرفته‌اند. اما در این مقاله، نخستین بار است که در زبان فارسی مفاهیم تربیتی و اخلاقی شازده کوچولو با مضامین آیات قرآن و روایات اسلامی با رویکرد تطبیقی مورد قیاس قرار می‌گیرند.

### تطبیق مفاهیم معنوی شازده کوچولو با آیات و روایات اسلامی

در قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار همیشه دستورات و توصیه‌هایی را در موضوع‌های مختلفی همچون قضاوت کردن خود و دیگران، رعایت بهداشت و پاکیزگی، تحمل در برابر سختی‌ها و مصیبت‌های زندگی، نكوهش خودستایی، داشتن برنامه در زندگی و از بین بردن رذیلت‌های اخلاقی شاهدیم. چنین موضوعاتی

در لابه لای صفحات شازده کوچولو نیز به صورت صریح یا ضمنی دیده می‌شود که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۱. داشتن برنامه هدایت و آداب در هر کاری

دین مجموعه‌ای از قوانین و دستورهای عملی و اخلاقی است که از طریق پیامبران و اولیای الهی به منظور هدایت بشر ارائه شده‌است. دانستن و رعایت این قوانین، سعادت انسان‌ها را تضمین می‌کند. از زمان خلقت بشر ادیان مختلفی چون مسیحیت، یهود، اسلام و... ظهور کرده‌اند که هر کدام برنامه هدایت خود را از طریق پیشوایانشان در طول زمان به انسان‌ها عرضه کرده‌اند. از مطالعه آیات قرآن نیز چنین استنباط می‌شود که دین نوعی برنامه هدایت است که از طریق آیات و روایات و از خلال قصص قرآنی مجموعه احکامی را به عنوان برنامه زندگی برای رشد و تعالی انسان در اختیار او قرار داده‌است. لذا هر انسانی برای تعالی روحی و اخلاقی نیازمند برنامه هدایتی است که در هر مرحله از زندگی خود از آن در جهت خودسازی بهره گیرد. به عنوان مثال در دین اسلام، انسان مومن با الگو قرار دادن پیشوایان دینی و ائمه معصوم در ابعاد مختلف زندگی سعی می‌کند که راه سعادت را برای خود هموار سازد. چنان‌که در آیه ۳۸ سوره بقره نیز چنین آمده‌است: «...فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (چون از سوی من هدایتی برای شما آمد، پس کسانی که از هدایتم پیروی کنند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند). در مورد داشتن برنامه هدایت از علی بن ابی طالب (ع) نقل است که: «لکلُّ أمرٍ أدبٌ»: هر چیز ادب خاص خود را دارد (رسولی محلاتی، ۸۰/۱).

در جملات کتاب شازده کوچولو هم به گونه‌ای به این مباحث یا پیرامون آن برمی‌خوریم. در بخشی از کتاب، گفت‌وگوی خلبان با شازده کوچولو درباره گوسفندی را شاهدیم که خلبان تصویر آن را برای او کشیده‌است. خلبان از او می‌خواهد که گوسفندش را درون جعبه‌ای قرار دهد و گلمیخی به او بدهد تا گم نشود. در پاسخ، شازده کوچولو چنین می‌گوید: «عیب ندارد. خانه من خیلی کوچک است!... آدم اگر راست خودش را بگیرد و برود نمی‌تواند زیاد دور برود» (سنت اگزوپری، ۱۲). با عمیق‌تر شدن در خوانش دوباره یا چندباره این جمله می‌توان برداشت کرد که هر مسیری را که انسان بخواهد پیماید یقیناً مستلزم داشتن برنامه و طرحی برای زندگی‌اش است و خارج از آن گمراه خواهد شد.

در بخشی دیگر از کتاب، زمانی که شازده کوچولو و روباه در حال صحبت برای اهلی کردن همدیگر هستند از قرار ملاقاتی سخن می‌گویند که باید زمان معلومی داشته باشد. روباه می‌گوید: «آخر در هر چیزی باید آیینی باشد. شازده کوچولو پرسید: «آیین» چیست؟ روباه گفت: این هم چیزی است بسیار فراموش‌شده، چیزی است که باعث می‌شود روزی با روزهای دیگر و ساعتی با ساعت‌های دیگر فرق پیدا

کند» (همان، ۶۴). در این عبارت، علاوه بر اشاره مستقیم به آداب داشتن در هر امری، می‌توان بحث «آیین» را با مساله عبادت روزانه مقایسه نمود. خداوند انسان را اهلی کرده یا به بیانی در او ایجاد علاقه کرده که در زمان‌های معینی از شبانه‌روز، معشوق به دیدار عاشق برود و عبادتش را به جای بیاورد. این امر در دین مبین اسلام برنامه و آیینی مشخص دارد که بنده مومن متناسب با آن عبادتش را به جای می‌آورد. حضرت علی (ع) نیز در مورد به جا آوردن نماز در زمانی مخصوص گفته: «تعاهدوا امر الصلاة وحافظوا علیها واستکثروا منها وتقرّبوا بها فانها کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً»: کار گزاردن نماز را برعهده گیرید. نگاهداشت آن را بپذیرید و آن را بسیار به جای آرید و با نماز خود را به خدا نزدیک سازید که نماز نوشته‌است بر مومنان و باید گزارده شود به وقت آن (نهج البلاغه: خ ۱۹۹).

## ۲. اهمیت دوستی و ایجاد علاقه کردن

در فرهنگ انوری (ذیل «دوستی») از واژه دوستی به معنای «حالت آشنایی توأم با محبت و اعتماد، حالت روابط صلح‌آمیز و بر پایه همکاری، علاقه و دل‌بستگی به چیزی» یاد شده‌است. در قرآن نیز، واژه دوستی برابر نهاده‌ی واژه حبّ است؛ از این رو آیاتی پیرامون حبّ و دوستی عنوان شده‌است که بر تاثیر بسیار زیاد دوست بر شخصیت انسان سخن می‌گوید. ویژگی‌های بسیاری از دیدگاه اسلام برای دوست برشمرده شده‌است که از آن جمله می‌توان به ایمان، تقوا، وفای به عهد و... اشاره کرد. به گفته‌ی امام صادق (ع) شخصی می‌تواند لایق دوستی باشد که از آنچه در دست دارد، از تو مضایقه نکند، هنگام ناراحتی و سختی‌ها تو را تنها نگذارد، دست یافتن او به جاه و مقام در چگونگی رابطه‌اش با تو تغییری ایجاد نکند، ظاهر و باطنش با تو یکسان باشد، زینت تو را زینت خود و زشتی و پلیدی تو را زشتی خود بداند.

با مطالعه کتاب شازده کوچولو پی‌می‌بریم که او هم از پرداختن به اهمیت دوست غافل نشده و در سراسر کتاب به این موضوع پرداخته‌است. به عنوان مثال در جایی آگزو پری (۱۴) در حال توصیف دوست خودش که همان شازده کوچولو است و از فراق او غمگین است، در مضمون دوستی چنین گفته: «جای تأسف است که دوست فراموش بشود». در اینجا شاهدیم که نویسنده به صورت مستقیم بر اهمیت حضور دوست تاکید دارد و از خلال دلتنگی‌های خود این مساله را به ما یادآوری می‌کند. در قسمت پایانی کتاب زمانی که خلبان ذخیره آبش به اتمام رسیده و در جست‌وجوی چشمه‌آبی است، شازده کوچولو فقط به دوستش، روباه می‌اندیشد و تشنگی و نیازهای جسمی برایش اهمیتی ندارد و در فراق او این‌گونه می‌گوید: «چقدر خوب است که آدم حتی در دم مرگ فراموش نکند که دوستی داشته‌است. من بسیار خوشحالم از این‌که دوستی چون روباه داشته‌ام» (همان، ۷۱) امام علی (ع) نیز در جایگاه دوستی گفته:



«دوست آنگاه دوست [حقیقی] است که برادر خود را در سه موقعیت بپاید: گرفتاری، پشت سر، پس از مردن» (نهج البلاغه، ح ۱۳۴).

یکی دیگر از مباحثی که در کتاب شازده کوچولو توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، مساله اهلی کردن است. شازده کوچولو در ادامه گردش روی زمین با روباهی ملاقات می‌کند که آن روباه از او می‌خواهد اهلی‌اش کند تا همیشه برای هم منحصر به فرد بمانند. «اهلی کردن یعنی چه؟» سوالی است که شازده کوچولو از او می‌پرسد و روباه چنین پاسخ می‌دهد: «علاقه ایجاد کردن» (سنت اگزوپری، ۶۲). روباه ادامه می‌دهد: «تو هر چه را اهلی کنی همیشه مسئول آن خواهی بود. تو مسئول گل خود هستی» (همان، ۶۸). مشابه این توصیه را در سخنان پیامبر اکرم (ص) می‌بینیم: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَأَلَ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرَعَاهُ: أَحْفَظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»: خداوند متعال از هر سرپرستی نسبت به آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده‌است بازخواست می‌کند؛ خواه از آن به خوبی سرپرستی (نگهداری) کرده باشد، خواه تباهش کرده باشد. حتی از مرد، درباره خانواده‌اش بازخواست می‌شود (محمدی‌شهری، ۱۴۸/۵). در واقع انسان همیشه طبق این دستورها باید تلاش کند که از مسئولیت خود در قبال خانواده، عزیزان و کسانی که در آن‌ها علاقه ایجاد کرده، حفاظت کند.

در بخشی از کتاب، شازده کوچولو در پاسخ به روباه درباره دوستی می‌گوید: «من پی آدم‌ها می‌گردم» (سنت اگزوپری، ۶۱). در پی آدم‌ها گشتن می‌تواند این مساله را به ذهن متبادر کند که مقصود شازده کوچولو از تمامی جملات فلسفی که در این باره به کار برده، در واقع به دنبال نوعی هدایت برای انسان می‌گردد، کما این‌که شخصیت اگزوپری نیز همیشه در جست‌وجو و رفع مشکلات انسان‌ها در زندگی حقیقی خویش بوده‌است.

کتاب شازده کوچولو و به خصوص موضوع علاقه ایجاد کردن حتی در فیلم سینمایی مارمولک اثر کمال تبریزی نیز به چشم می‌خورد. در ابتدای فیلم، رضا مارمولک، شخصیت کلیدی و خلاق داستان، بر روی تخت بهداری زندان با فرد روحانی در مورد خسته شدن از محیط زندان، تنهایی و انتقاد از جامعه روحانیت صحبت می‌کند. روحانی به منظور تسلی دادن به او و نزدیک کردنش به خود و خدا، بخشی از کتاب را برایش قرائت می‌کند: «آدم‌ها همه چیز را همین جور حاضر آماده از مغازه‌ها می‌خرند اما چون مغازه‌ای نیست که دوست معامله کند آدم‌ها مانده‌اند بی‌دوست. تو اگر دوست می‌خواهی مرا اهلی کن. پرسید: اهلی کردن یعنی چه؟ گفت یعنی ایجاد علاقه کردن و این چیزی است که این روزها پاک فراموش شده. پرسید: راهش چیست؟ گفت باید صبور باشی، خیلی صبور» (تبریزی، ۲۰-۱۹:۲۵).

علی‌رغم این‌که این کتاب به ظاهر برای کودکان نوشته شده است، با مطالعه دقیق آن، به لایه‌های عمیق و پند و اندرزهایی از جنس معارف دینی و سخنان ائمه اطهار پی‌می‌بریم که حتی در فیلم یاد شده نیز کارگردان با قرائت کتاب شازده کوچولو از زبان روحانی سعی دارد بین رضا مارمولک و خدا، که به او اعتقادی ندارد، علاقه ایجاد کند و با ظرافت خاصی دستورات دین اسلام را در مورد صبر و ایجاد علاقه در قالب این کتاب به او القا کند. در اواخر فیلم شاهدیم که رضا مارمولک، در هنگام سخنرانی برای زندانیان، با قرار گرفتن در نقش روحانی بدل عیناً جملاتی را بر زبان می‌آورد که در ابتدای فیلم، روحانی به او یادآور شده بود و اعلام کرد که با صبوری پیشه کردن، اهلی شده، به گونه‌ای که پس از این‌که دستش به عنوان روحانی تقلبی رو می‌شود، پلیس به دلیل تغییر قابل توجه او، از دستبند زدن به دستانش خودداری می‌کند.

### ۳. ریشه‌کن کردن بدی

ریشه در لغت به معنای اصل، بیخ و بنیاد است و در هر چیزی سبب حفظ و تداوم آن می‌گردد. لذا همان‌گونه که ریشه محکم موجب حفظ گیاه می‌شود، ریشه سست هم سبب از بین رفتن آن می‌گردد. اعمال نیک و بد انسان نیز این‌گونه‌اند؛ دسته اول سبب حفظ او و دسته دوم موجب هلاکتش. از این رو قرآن در آیه ۷ سوره اسراء گفته: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود بدی کرده‌اید). در شازده کوچولو (۱۶) نیز مقصود راوی داستان از بیان عبارت «درواقع روی سیاره شازده کوچولو، مثل همه سیاره‌ها، گیاه خوب و گیاه بد وجود داشت. در نتیجه، از تخم خوب گیاه خوب می‌روید و از دانه بد گیاه بد» این است که اگر انسان بدی بکارد بدی درو می‌کند و اگر خوبی کند عین آن را می‌بیند.

در بخش پنجم کتاب سنت اگزوپری به گفت‌وگوی خلبان و شازده کوچولو در مورد خوردن درختان بائوباب به وسیله گوسفند وی اشاره شده است، زیرا درختان بائوباب اگر بیش از حد رشد می‌کردند سبب نابودی سیاره او می‌شدند. از این رو پسرک موطلایی اصرار داشت که زمانی که این درختان هنوز نهال هستند و رشد زیادی نکرده‌اند، گوسفندش آن‌ها را بخورد. شازده کوچولو اهمیت این ریشه‌کن کردن را چنین بازگو می‌کند: «حال اگر این ساقه لطیف از ترب یا گل سرخ باشد می‌توان آن را به هوای خود رها کرد تا بروید. ولی اگر گیاه بدی باشد همین‌که شناخته شد باید ریشه‌کن شود» (همان، ۱۷). درختان بائوباب را می‌توان رمزی از خصلت‌های نکوهیده در نظر گرفت که تخم آن در خانه دل هر کسی هست. این دانه‌های شر و پلید اگر در وجود فرد ریشه بدوانند او را به تباهی می‌کشند. پس همواره باید دل و جان را از ریشه گرفتن آن‌ها پاکیزه ساخت (رحیمی، ۴۷). او در ادامه می‌گوید: «آدم اگر گاهی کار امروز را به فردا انداخت عیبی ندارد ولی اگر این کار ریشه‌کن کردن بائوباب‌ها باشد آن وقت مصیبتی است» (سنت

اگزوپری، ۱۸). در واقع می‌بینیم که اصرار شازده کوچولو بر خوردن نهال قبل از این که به درختی بزرگ و مصیبتی تبدیل شود، همانند ریشه‌کن کردن اعمال و افکار بد از لحظه‌ای است که هنوز در وجود ما نهادینه نشده‌اند و اگر این اعمال در فطرت و ذات ما ریشه بگیرند آن وقت همانند از بین بردن درختان بانوباب به مصیبتی بزرگ تبدیل می‌شوند.

#### ۴. توصیه به نظافت و پاکیزگی

کلمه نظافت در فرهنگ سخن انوری (ذیل «نظافت») به معنای «عاری بودن از آلودگی، پاکیزگی و تمیزی» آورده شده است. یکی از دستوراتی که دین اسلام به وفور به آن اشاره کرده، موضوع نظافت و پاکیزگی است که در بردارنده نکات عمیق و ظریفی در مورد بهداشت فردی و اجتماعی است و عمل به آن‌ها متضمن سلامتی انسان است. از این رو پیامبر اکرم در مورد پاکیزگی گفته: «ان الاسلام نظیف فتتظفوا؛ فانه لا یدخل الجنة إلا نظیف»: اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید که هرکس پاکیزه نیست به بهشت نمی‌رود (شیروانی، ۹۸).

اهمیت دادن و رسیدگی به امر نظافت فردی و اجتماعی را نیز، زمانی که شازده کوچولو به پاک کردن سیاره خود مشغول است، مشاهده می‌کنیم. او در این باره یادآور می‌شود که «آدم وقتی صبح‌ها از کار آرایش خود فارغ می‌شود باید به دقت به پاک کردن سیاره خود پردازد (سنت اگزوپری، ۱۸). در واقع برداشت ما از این جمله می‌تواند این باشد که آرایش فردی که شازده کوچولو بدان اشاره کرده همان نظافت فردی است که اسلام با استحمام، کوتاه کردن ناخن، شانه زدن مو، مسواک زدن و... توصیه کرده و پاک کردن سیاره به منظور رسیدگی و حفظ نظافت جامعه است. البته اسلام علاوه بر بهداشت جسمی، به بهداشت روح نیز قائل است؛ به عنوان مثال با تفکر در مورد خود، دوری از دروغ و تهمت و... (که همه اینها نیز آفاتی را برای روح به بار می‌آورند)، روح را می‌توان پرورش داد. شازده کوچولو نیز منظورش را صریحاً از این مساله بیان نکرده است، اما می‌توان استنباط کرد که آدمی اگر ابتدا به نظافت خویش، خواه جسمی خواه روحی، پردازد آن‌گاه می‌تواند به نظافت جامعه اقدام کند؛ زیرا جامعه متشکل از فرد فرد انسان‌هایی است که با مراقبت از خود در تمام ابعاد، جامعه سالمی را تشکیل می‌دهند. بنا براین از قیاس این دو مساله به این نتیجه می‌رسیم که هم دین اسلام و هم تفکر نویسنده فرانسوی القاکننده ارجحیت پاکیزگی فردی بر جمعی و در نهایت پاکیزگی اجتماع است. از امام هادی (ع) به نقل از امام صادق (ع) در اهمیت نظافت فردی و اجتماعی روایت شده است که: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَنْزَرَهَا. قِيلَ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: يُنْظَفُ تَوْبَهُ وَيُطَيَّبُ رِيحُهُ وَيُجَصِّصُ دَاوَهُ وَيَكْنِسُ أَفْنِيَّتَهُ حَتَّىٰ إِنَّ السَّرَاحَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»: همانا خداوند والا زیبایی و

زینت را خوش دارد و فقر و فقرنمایی را خوش ندارد. آنگاه که خداوند نعمتی به بنده‌ای می‌دهد، دوست دارد که اثر آن را بر او ببیند. گفته شد: چگونه اثر آن را آشکار کند؟ گفت: لباسش را تمیز می‌کند و خود را خوشبو می‌سازد و خانه‌اش را گچکاری می‌کند و آن را جارو می‌زند، حتی برافروختن چراغ پیش از غروب خورشید فقر را دور می‌سازد و از بین می‌برد و بر روزی می‌افزاید (طوسی، ۱/۲۷۵).

### ۵. قضاوت خود و دیگری

قضاوت در لغت به معنای داوری و اظهار نظر است. در آیات و روایات اسلامی مبحث قضاوت به دو شکل عنوان شده است: یکی به قضاوت خداوند در صحرای محشر و روز قیامت اطلاق می‌شود که مورد نظر ما نیست و دیگری اظهار نظر در مورد خودمان و دیگران است که مراد ما در این پژوهش است. احادیث بسیاری از ائمه معصوم در این زمینه بیان شده است که در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم. به عنوان مثال رسول خدا (ص) در اهمیت قضاوت کردن خود گفت: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوا قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الکبر»: حسابرسی کنید از نفس خویش پیش از آن که (دیگران و در جای دیگر) به حساب آنها برسند و وضع آنها را بسنجید پیش از آن که دیگران بسنجند (رسولی محلاتی، ۲/۵۰۴-۵۰۳).

شازده کوچولو در اولین سفر خود به سیارکی با پادشاه مستبدی آشنا شده بود که کارش فقط صدور فرمان بود. وی تصمیم گرفته بود سیاره او را ترک کند. اما پادشاه که از وجود یک رعیت در سیاره خود مغرور شده بود، از او خواست تا به عنوان وزیر دادگستری در این سیاره خدمت کند. این دستور برای شازده کوچولو عجیب جلوه کرد، زیرا کسی نبود که او آنها را محاکمه کند لذا پادشاه به او چنین گفت: «پس تو خودت را محاکمه خواهی کرد. این دشوارترین کار است. محاکمه خود از محاکمه دیگران مشکل تر است. تو اگر توانستی درباره خود درست قضاوت کنی قاضی واقعی هستی» (سنت اکزوپری، ۳۵). این سخن پادشاه در مورد اهمیت قضاوت کردن خود دقیقاً با این گفته امام علی (ع) که «کسی که به حساب خود برسد بر عیب‌های خود واقف گردد و به گناهان خود احاطه یابد و در نتیجه از خداوند درخواست عفو و بخشش گناهان خود کند و عیب‌های خود را اصلاح نماید» (رسولی محلاتی، ۲/۵۰۴) منطبق است. در واقع هم در جملات کتاب و هم در حدیث ذکر شده به بیان سختی قضاوت در مورد خود پرداخته شده است که اگر به درستی انجام شود، باعث اصلاح فرد می‌گردد.

در بخشی دیگری از داستان، شازده کوچولو وجود گل سرخی در سیاره‌اش را برای خلبان توصیف می‌کند که آن گل به طور مداوم از ترس چنگال ببر و وزش نسیم برای صاحبش می‌نالند. اما شازده کوچولو بدون آن که به زیبایی گلش توجه کند یا به این که وجود آن گل سیاره‌اش را معطر ساخته است، صرفاً در

ذهنش مرور می‌کند که نباید به حرف گل‌ها گوش داد. وی برای ملامت خود از قضاوت در مورد گل سرخش چنین می‌گوید: «من آن وقت‌ها هیچ نمی‌توانستم بفهمم... می‌بایست درباره‌ی او از روی کردارش قضاوت کنم نه از روی گفتارش» (سنت اگزوپری، ۲۷). درباره‌ی مبحث قضاوت دیگری، شاهد بیاناتی از امیرالمومنین (ع) هستیم: «ای مردم، آن‌کس که بداند برادرش در امر دین استوار است و در راه راست قرار دارد، نباید سخن بیهوده‌ی مردم را در حق او بشنود. بدانید که تیرانداز گاهی تیر می‌اندازد، ولی به هدف نمی‌خورد، و حال آن‌که سخن [هر چه باشد] بی‌اثر نماند، ولی باطل آن از بین می‌رود، و خداوند شنوا و شاهد است. بدانید میان حق و باطل تنها به اندازه چهار انگشت فاصله است. در این هنگام کسی پرسید: معنای این سخن چیست؟ آن حضرت انگشتان خود را جمع کرد و آن را میان گوش و چشم خود نهاد، و فرمود: باطل آن است که بگویی شنیدم، و حق آن است که بگویی دیدم» (نهج البلاغه: خ ۱۴۱).

آنچه که این مبحث را بیشتر مهم جلوه می‌دهد اشتراک پل‌های اخلاقی است که بین تفکر اسلامی و تفکر اگزوپری هویدا می‌شود. به نظر می‌رسد که انسان‌ها با هر منش و تفکری و با هر دین و آیینی خود را ملزم به رعایت اخلاقیاتی می‌دانند که ممکن است در هر تفکری به بیانی متفاوت آمده باشد، اما اصل آن به یک نقطه واحد (که همانا رعایت مسائل اخلاقی است) بازمی‌گردد.

#### ۶. توصیه به صبر و شکیبایی

در کتاب علم اخلاق اسلامی تالیف محمد نراقی (۴۴۲) واژه صبر در مقابل جزع و بی‌تابی قرار داده شده است. معادل فرانسوی این واژه نیز کلمه Patience است که در فرهنگ لاروس (Larousse, 775) از آن به ویژگی کسی که با آرامش به انتظار چیزی می‌نشیند<sup>۱</sup>، تعبیر شده است. بسیاری از آیات قرآن کریم مبین فضیلت صبر و شکیبایی هستند. به عنوان مثال، در آیه ۱۰ سوره زمر آمده است: «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (بگو: ای بندگان مومنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد).

شازده کوچولو نیز برای آخرین بار، زمانی که به سیاره خود سرکشی می‌کند، آتش‌فشان‌هایش را تمیز کرده و آخرین بائوباب‌های نورسته را از ریشه می‌کند. گویی دیگر تصمیم بازگشت به سیاره خودش را ندارد. او برای خداحافظی به گل سرخش سر می‌زند تا به او آب بدهد، اما گل سرخ که از دوری او غمگین است و دیگر بهانه تجیر و چنگال بیر را نمی‌گیرد، در پاسخ به این که چطور از خودش مراقبت خواهد کرد به

شازده کوچولو می‌گوید: «من اگر بخواهم با پروانه آشنا شوم ناچار باید وجود دو سه کرم درخت را تحمل کنم. گویا پروانه خیلی زیباست» (سنت آگروپری، ۳۰). در اینجا می‌بینیم هدف گل سرخ از بیان این جمله چیزی جز پاداش در برابر صبر نیست. مساله‌ای که در بسیاری از آیات قرآن نیز بدان اشاره شده‌است. به عنوان مثال در آیه ۵۴ سوره قصص خداوند می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» (اینان به علت صبوری که [بر ایمان و عمل به قرآن] کردند، دوبار پادششان می‌دهند). صبر فضیلتی است که ذره‌ذره باعث پختگی فرد می‌شود و درست است که انسان در طول آن متحمل رنج‌های فراوانی می‌شود، اما ثمره آن شکوفایی معرفت فرد از خود و پروردگارش و پختگی و کمال اوست. از این رو پاداش وعده داده شده تحمل رنج‌ها را برای انسان شیرین‌تر می‌کند.

#### ۷. منطق حاکم بر دستور

عقل نیروی تشخیص خوبی از بدی و درستی از نادرستی است. هم‌چنین به ما کمک می‌کند تا تصویر عقلانی‌تر و نزدیک به واقعیت از توانایی‌های فردی در مسیر اهداف خود به دست بیاوریم. از این جهت دعوت به تفکر و تعقل در آیات قرآنی و دستورات الهی مشهود و دارای نمونه‌های بسیاری است. قرآن، معجزه پیامبر، به عنوان کتاب هدایت بشر با ارائه برنامه و احکام منطقی، انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد. اساساً تمامی این دستورات و رهنمودها مبتنی بر قوه تعقل یا به اصطلاح منطقی هستند. هیچ دستوری را در قرآن کریم نمی‌توان یافت که از این مساله سرباز زند. کتاب خداوند به عنوان الگویی جهت زندگی بهتر انسان‌ها و ارائه رهنمودهایی برای نیل به زیستی شایسته‌تر، در جای‌جای کتاب سعی کرده‌است تا با کمک منطق و ارائه دلایل قانع‌کننده در کنار بیانی فصیح و شیوا، نسخه‌ای شفاف‌بخش و هدایتگر برای تمامی ادوار و اعصار زیست انسان‌ها ارائه دهد. در آیه ۲۸۶ سوره بقره می‌خوانیم: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (خدا هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند). با توجه به معنای این آیه متوجه می‌شویم که خداوند از انسان‌ها در حد وسع و توانایشان انتظار دارد.

شازده کوچولو نیز در بازدید از سیاره اول با پادشاهی روبه‌رو می‌شود که گویی فرامین عاقلانه صادر می‌کند و از آنجایی که مستبد است، تمایل دارد تمام اوامرش به اجرا درآید. او به شازده کوچولو در مورد نحوه فرمانروایی‌اش می‌گوید: «اگر من به یکی از سرداران فرمان بدهم که پرنده دریایی شود و او اطلاعات نکند گناه از او نیست بلکه از من است» (سنت آگروپری، ۳۲) و در ادامه می‌افزاید: «باید از هرکس چیزی خواست که از عهده آن برآید. قدرت قبل از هر چیزی باید متکی بر عقل باشد. اگر تو به ملت خود فرمان بدهی که همه خود را به دریا بباندازند انقلاب خواهند کرد. من حق دارم که از همه اطاعت بخواهم، چون فرمان‌های من عاقلانه است» (همان، ۳۴).

حدیثی از امام موسی کاظم (ع) خطاب به هشام نیز مبین این بحث است: «یا هشام! إن العاقل اللیب من ترك ما لا طاقة له به»: ای هشام! عاقل خردمند کسی است که چیزی را که طاقت آن را ندارد و از عهده آن بر نمی آید رها کند (ابن شعبه، ۳۹۹). لذا اندیشه و تدبیر را به عنوان ارکان اصلی در ارائه و اشاعه دین می شناسیم. همچنین متوجه می شویم که نویسنده نیز برای آن که بتواند جهان بینی خود را به مخاطب عرضه کند و در نگاه وی تاثیر چشم گیری بگذارد از قوه عقل و منطق مدد جسته است.

#### ۸. نکوهش خودستایی

از منظر اسلام، خودبینی از صفات نکوهیده و ناپسند است. خودستایی در کتاب علم اخلاق اسلامی (۱۷۰) چنین تعریف شده است: «تزکیه نفس (خودستایی) یعنی نقیص از خود و اثبات کمالات برای خود، و آن از نتایج عجب و خودپسندی است. و زشتی آن آشکار است، زیرا کسی که حقیقت انسان را شناخت، می داند که قصور و نقصان لازم ذات اوست و دیگر زبان به مدح خود نمی گشاید». شازده کوچولو در بازدید از سیاره دوم به خودپسندی برخورد می کند که هر بار با دست زدن وی به وجد می آید، کلاه از سر برمی دارد و سلام دادن را از سر می گیرد. این حرکت برای پسر بچه موطلایی بسیار عجیب جلوه می کند و از او می پرسد که چه کاری باید انجام دهد تا کلاه از سرش بیفتد؟ اما خودپسند حرف او را نمی شنود. در این قسمت نویسنده برای وصف خودپسندی این جمله را به کار می برد: «خودپسندان به جز وصف خود هرگز چیزی نمی شنوند» (سنت اگزویری، ۳۷). در تایید این جمله در نهج البلاغه (ن ۵۳) آمده است: «پرهیز از این که خود را در عظمت با خداوند برابر داری، و در جبروت خود را شبیه او سازی، زیرا خداوند هر جباری را خوار و هر متکبری را بی مقدار می کند». همان طور که از نظر اسلام ویژگی های حقارت، نادانی و... برای خودستایی برشمرده شده، نویسنده نیز ویژگی هایی را برای خودپسندان برجسته می کند. از بارزترین ویژگی هایی که صراحتاً هم در نگاه نویسنده و هم در روایات دینی به آن اشاره شده تاکید بر واژه نشیندن است، زیرا فرد راه ورود به هر علم و آگاهی و یا حتی نقدی را نسبت به خود می بندد.

#### ۹. کمال گرایی

در قرآن کریم، مفاهیم فراوانی وجود دارد که به نیاز کمال گرایی انسان اشاره دارد. یکی از آن مفاهیم، واژه «فقر ذاتی» و رسیدن به غنای اکتسابی است (علی پور و نیک صفت، ۶). در آیه ۱۵ سوره فاطر آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ای مردم، شما باید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی نیاز و ستوده است). از این رو کمال گرایی به عنوان نیاز فطری در انسان مطرح می گردد. در بخش انتهایی داستان شازده کوچولو نیز گفت و گوی وی با روباه را شاهدیم که روباه برای دوست شدن با پسر بچه از او می خواهد که اهلی اش کند. شازده کوچولو که بعد از پرسش های متعدد به معنای

اهلی کردن که همان «ایجاد علاقه کردن» است، پی می برد، ناگهان دوست گل سرخش را به یاد می آورد که اولین بار آن گل او را اهلی کرده است و در ادامه سیاره اش را توصیف می کند. روباه که همیشه زندگی اش یکنواخت بوده و در سیاره اش به دنبال شکار مرغ ها و انسان ها پی شکار او بودند، در همین حال سؤالاتی چون آیا در سیاره تو صیاد وجود دارد؟ آیا مرغ ها شکار می شوند؟ از شازده کوچولو می پرسد که پاسخ او به این سؤالات منفی است. روباه در ادامه می گوید: «حیف که هیچ چیز بی عیب نیست» (سنت اگزوپری، ۶۲). در واقع، روباه از این که با پسر بچه ای ملاقات کرده که از سیاره جدیدی آمده و تمایل دارد به وسیله آن پسر بچه اهلی شود، هنگامی که از فقدان مرغ و شکار صیادان در آنجا آگاه می شود، احساسش این گونه است که هیچ چیز کامل و بی عیبی در این دنیا وجود ندارد.

در بخش دیگری، برخورد سوزن بان و شازده کوچولو را مشاهده می کنیم که از پر و خالی شدن قطارها و رفت و آمد انسان ها متعجب است و از سوزن بان می پرسد: مگر انسان ها از جایشان راضی نیستند که مدام حرکت می کنند؟ سوزن بان در پاسخ به او می گوید: «آدم هیچ وقت از جایی که هست راضی نیست» (همان، ۶۹). انتخاب نویسنده برای رساندن پیام کمال گرایی انسان شاید در نگاه اول، ساده به نظر برسد اما بسیار عمیق است. در اینجا آدم ها به این دلیل که از موقعیت کنونی شان راضی نیستند، سوار بر قطاری می شوند که به سرعت به مقصد دلخواه برسند. اما به محض این که رسیدند، می فهمند که جایی که انتظارش را می کشیدند نیست و دوباره این سوار و پیاده شدن از قطار همچنان ادامه دارد. از نظر رحیمی (۵۱) «قطارهای به راست و چپ رونده حامل مسافر نمادی از نارضایتی آدمیان از وضعیت موجودشان است و بچه هایی که بینی خودشان را به شیشه ها چسبانده اند نماد حقیقت خواهان و کسانی که در کل داستان در قطب مثبت و در مقابل آدم بزرگ ها قرار می گیرند». بنا بر این انسان موجودی سیری ناپذیر است و تنها خداوند منشأ تمام و کمال صفات خوب و بی نیاز از همه چیز است.

#### ۱۰. زبان سرچشمه سوء تفاهم

یکی از ابزارهای ارتباطی که بشر برای انتقال و اشتراک افکار خود با دیگران به کار می برد، زبان است. زبان معرف انسان و ترازوی عقل اوست. در این باره از حضرت علی علیه السلام نقل است که: «تکلموا تعرفوا، فان المرء مخبوء تحت لسانه»: سخن گویند تا شناخته شوید، که انسان در زیر زبان خود پنهان است (نهج البلاغه: ح ۳۹۲). علاوه بر فوایدی که برای زبان وجود دارد، آفاتی از جمله دروغ، غیبت، تهمت و... نیز از آن ناشی می شود که باید آن ها را به درستی شناخت و از آن ها پیشگیری کرد.

زبان به عنوان سرچشمه سوء تفاهم، مورد دیگری است که می توانیم به مشکلات آن بیافزاییم؛ آنجا که قوه تفکر و تعقل و نیز بیان انسان ها با یکدیگر در مورد یک موضوع واحد، متفاوت است. به همین دلیل



ممکن است از خوانش یا شنیدن یک جمله درک مشترکی بین آن‌ها صورت نگیرد. به عبارت دیگر، زمانی که گوینده مفاهیم ذهنی خود را برای انتقال به مخاطبش کدگذاری می‌کند، اگر شنونده نتواند همان کدگذاری‌های مورد نظر گوینده را رمزگشایی کند، موجب سوء تفاهم می‌شود.

در ادبیات و داستان‌ها، روباه نماد شخصیتی حيله‌گر و مکار نام برده می‌شود درحالی‌که در این داستان نه تنها از مکر نشانه‌ای نیست بلکه همچون مرشد و معلم به راهنمایی شازده کوچولو می‌پردازد (رحیمی، ۵۱). در داستان سنت اگزوپری نیز زمانی که روباه در حال ارائه راه‌حل‌هایی برای اهلی کردن شازده کوچولوست، از او تقاضا می‌کند که اندکی فاصله بگیرد و او را به نظاره بنشیند و در ادامه می‌گوید: «من از گوشه چشم به تو نگاه خواهم کرد و تو هیچ حرف نخواهی زد. زبان سرچشمه سوء تفاهم است» (سنت اگزوپری، ۶۳).

در تفسیر این جمله می‌توان به فلسفه زبان از دیدگاه ویتگنشتاین پرداخت. وی در طی حیات خود مساله زبان را از دو دیدگاه فلسفی به نام فلسفه متقدم و متاخر مورد بررسی قرار داد که فلسفه متاخر مورد نظر پژوهش ما است. «در فلسفه متقدم مساله اصلی نسبت بین زبان و جهان است که ویتگنشتاین تئوری تصویری را مطرح می‌سازد. در فلسفه متاخر، ویتگنشتاین معتقد است اساساً فلسفه وظیفه دیگری برعهده دارد و آن این‌که چون مشکلات فلسفی زاینده سوء تفاهم‌اند، باید ریشه آن را بشناسند و آن این است که بازی‌های زبانی را با هم خلط می‌کنیم. در این جا دیگر نباید دنبال معنا رفت، باید به کاربرد زبان توجه کرد» (بخشایش، ۵۳).

از این‌رو زمانی که روباه چنین درخواستی از شازده کوچولو می‌کند در واقع بیانگر این مساله است که نگاه و چشم افراد می‌تواند به درستی مطلبی را بازگو کند. در صورتی که اگر زبان آدمی با آن مخلوط گردد ممکن است این رمزگشایی با سوء تفاهم آمیخته شده و درک درستی صورت نگیرد و اگر گفت‌وگویی بین آن دو شکل می‌گرفت ممکن بود موجب سوء تفاهم گردد و دوستی بین آن‌ها شکل نگیرد. لذا نگاه کردن می‌توانست بهترین انتخاب برای اهلی کردن شازده کوچولو باشد. در حدیث امیرالمومنین (ع) که «بلاء الانسان فی لسانه»: بلای انسان در زبان اوست (رسولی محلاتی، ۳۴۰ / ۲) و خوب اهمیت زبان تذکر داده شده است.

## نتیجه‌گیری

شازده کوچولو اثر آنتوان دو سنت اگزوپری از شاهکارهای ادبیات فرانسه در قرن بیستم، پرخواننده‌ترین و پرتوجه‌ترین کتاب فرانسوی است. در بطن این کتاب نکات فلسفی و اخلاقی نهفته است که جز از طریق

خوانش دقیق جملات آن نمی‌توان به معانی عمیق مفاهیمش پی‌برد. در این مقاله پس از مطالعه و بررسی دقیق جملات کتاب و آموزه‌های دینی و اخلاقی مکتب اسلام و توصیه‌های معصومین (ع) شباهت‌های بسیاری نمایان شد که در نگاه اول مرتبط نمی‌نمود.

با تکیه بر نظریه شباهت‌های بی‌دلیل فرانسوا یوست دریافتیم که مساله تشابه و همانندی به راحتی می‌تواند ادبیات را به سایر حوزه‌های علم بشری پیوند بزند. در این پژوهش مشاهده کردیم که ادبیات می‌تواند کارکرد دینی نیز پیدا کند یا به‌عکس، دین این امکان را دارد که کارکرد ادبی داشته باشد تا با به اشتراک گذاشتن مفاهیم خود، مرزهای دانش را تلفیق کرده و به خدمت همدیگر دربیایند.

از آنجایی که خود نویسنده در مذهب کاتولیک رشد یافته و با مبانی دین مسیح آشنا بوده، در زندگی شخصی‌اش همواره به امور معنوی و اخلاقی گرایش داشته‌است. «علاقه و دل‌بستگی سنت آگروپری به مسلمانان و اعراب و تعالیم اسلامی در آثارش نیز به چشم می‌خورد» (خوشحال، ۱۱۷). همین مساله باعث شده تا دغدغه‌های فکری سنت آگروپری برای نجات و رهایی و بهبود شرایط زندگی انسان‌ها با هدف دین اسلام به منظور نیل آن‌ها به سعادت حقیقی همسویی داشته باشد.

مفاهیمی که سنت آگروپری در جای‌جای کتاب شازده کوچولو خاطر نشان می‌کند، در زمینه مسائل زندگی شخصی هر انسانی چون داشتن برنامه هدایت و آداب در هر کاری، اهمیت دوستی و ایجاد علاقه کردن، ریشه‌کن کردن بدی، توصیه به نظافت و پاکیزگی، قضاوت درباره خود و دیگری، صبر و شکیبایی، منطق حاکم بر دستور، نکوهش خودستایی، کمال‌گرایی، زبان سرچشمه سوءتفاهم مطرح شده‌اند که نتایج یافته‌های این پژوهش نیز مطابقت صریح یا ضمنی جملات شازده کوچولو را با آیات قرآنی و روایات اسلامی تایید می‌کند.

شاید بتوان گفت آنتوان دو سنت آگروپری از این جهت کتابش را برای کودکان نوشته‌است که اخلاق و ویژگی‌های منفی هنوز در فطرت آنان ریشه ندوانده و می‌توانند زودتر درختان بانوباب درونشان را شناسایی، قطع کرده و به اصلاح و تربیت درونی خود پردازند. این کتاب آنقدر منحصر به فرد است که هر بار گوشه‌ای از مباحث آن برای خواننده جالب به نظر می‌رسد و هرکس از نقطه نظر خودش با این داستان و مضامینش همراه می‌شود.

### پیوست

چکیده داستان شازده کوچولو

شازده کوچولو داستان خلبانی است که به دلیل نقص فنی، مجبور به فرود آمدن در بیابانی در آفریقا می‌گردد. در آنجا، با پسر بچه یا شازده کوچولویی آشنا می‌گردد که از سیاره کوچک دیگری آمده و با خلبان به گفت‌وگو در مورد سفرهای خود به هفت سیاره مختلف می‌پردازد که هفتمین سیاره، زمین است. پسر بچه موطلائی، در آن سفرها با آدم بزرگ‌هایی مواجه شده که هر کدام در دنیای مادی و قدرت‌طلبی غرق شده‌اند و او در مواجهه با آن‌ها چیزهای بسیاری را فرا گرفته است. در طی داستان، شازده کوچولو با گل‌های سرخ، روباه، مار همراه شده که به زبان انسان با او سخن می‌گویند. سرانجام، شازده کوچولو با نیش مار دوباره به سیاره کوچک خودش بازمی‌گردد و خلبان را ترک می‌کند.

## منابع

- قران کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران: نشر پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.
- \_\_\_\_\_، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ابن شعبه، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، السوق السلطانی، طهران، ۱۳۷۶.
- انوری، حسن، *فرهنگ فشرده سخن، سخن*، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲.
- انوشیروانی، علی رضا، علی ارفع، «شعر خموشی و خموشی شعر: مطالعه تطبیقی بن‌مایه سکوت در اشعار مولوی و ویتن»، دو فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۶، شماره ۳-۲، ۱۳۹۰، صص ۱-۲۰.
- بخشایش، رضا، «فلسفه زبان ویتگنشتاین، مقدم و متاخر»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۲۵-۲۴، ۱۳۷۹، صص ۵۳-۸۷.
- حسین‌زاده، محمد، *مبانی اندیشه اسلامی ۱: درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت‌دینی*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۵.
- خوشحال، یاسین، «شاهزاده‌ای با قلمروئی جهانی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۵، ۱۳۸۰، صص ۱۱۴-۱۱۷.
- رحیمی، ناصر، «نماد و نمادپردازی در شازده کوچولو»، هنر، شماره ۶۴، ۱۳۸۴، صص ۴۴-۵۵.
- رسولی‌محلاتی، هاشم، *غرورالحکم و دروالمکلم آمدی*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.
- رهبر، محمدتقی، محمدحسن رحیمیان، *اخلاق و تربیت اسلامی*، تهران: سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۲.
- سنت اگزوپری، آنتوان دو، *شازده کوچولو*، ترجمه محمد قاضی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجاه و سوم، ۱۳۹۳.

سنت آگزوپری، کنسولنو دو، *خاطرات گل سرخ: زندگی نامه آنتوان دو سنت آگزوپری به قلم همسرش*، ترجمه موگه رازانی، نشر کتاب نادر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

شریفی، هدیه، «آوارهای سازه‌ای بر سر شازده کوچولو»، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۷۳، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۳۳.

شیروانی، علی، *نهج الفصاحه*، انتشارات دارالفکر، قدس-قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

طوسی، محمدبن حسن، *امالی*، ترجمه صادق حسن‌زاده، اندیشه هادی، قم، ۱۳۸۸.

علی‌پور، احمد، ابراهیم نیک‌صفت، «روان‌شناسی کمال در قرآن»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۸، ۱۳۹۰، صص ۱۱۱-۱۳۲.

قائمی مجد، سعیده، «بازگشت به حقیقت خویش؛ تحلیل فلسفی-اخلاقی شازده کوچولو»، فلسفه و کودک، شماره ۱۲، ۱۳۹۴، صص ۵۹-۶۶.

گویارد، ماریوس فرانسوا، *الادب المقارن*، ترجمه محمد غلاب، لجنه البیان العربی، قاهره، ۱۹۵۶ م.

محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحدیث، قم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.

نراقی، مهدی، *علم اخلاق اسلامی: گزیده کتاب جامع السعادات*، ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی، نشر حکمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

یوست، فرانسوا، *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*، ترجمه علی‌رضا انوشیروانی و دیگران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۷.

*مارمولک*، (۱۳۸۲)، کمال تبریزی، ایران، موسسه فرهنگی فرادیس.

Larousse, Pierre, *Petit Larousse illustré : é dition entie rement nouvelle*, Larousse, Paris, 1997.

Saint-Exupéry, Antoine de, *Le petit prince: avec des aquarelles de l'auteur*, Gallimard, Paris, 2007.

Doll, Jen, (25 mars 2013), «You Can Learn to Love 'The Little Prince' All Over Again», Site theAtlantic <https://www.theatlantic.com/entertainment/archive/2013/03/the-little-prince anniversary/317005/>